



گزارش

۱۲ تیر ماه روز افشای

حقوق بشر آمریکایی

حقوق بشر آمریکایی، بزرگ ترین فریب جهان

شماره: ۱۶۰

تیر ماه ۹۷

رصدخانه روابط بین الملل

ترجمان روز نگاهی است خبری و تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی و سروش: @iw_peace

۱۲ تیر ماه روز افشای حقوق بشر آمریکایی

حقوق بشر آمریکایی، بزرگ ترین فریب جهان



مقدمه

مجموعه حقوقی که، بر اساس نظریه حقوق طبیعی به موجب قانون طبیعی یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی ناپذیر موجودیت انسانی آن‌ها به شمار می رود و نهادهای حقوقی و قضایی داخلی و بین المللی می باید از آن‌ها دفاع کنند حقوق بشر نام دارد. البته در خصوص تفسیر این حقوق در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف همیشه اختلاف نظرهایی مطرح بوده است. یکی از تفاوت‌های میان گفتمان لیبرال دموکراسی به مقوله‌ی حقوق بشر تصور صرفاً اومانیستی و فردگرایانه و بر اساس استانداردهای غربی از مقوله‌ی آزادی و حقوق بشر است. آمریکایی به‌طور کلی و به‌طور اخص لیبرال دموکراسی به دنبال جهانگیر کردن ارزش‌های حقوق بشری خود در قالب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ارزش‌های تمدن‌باختر است. با تمام این اوصاف مستندات تاریخی بیانگر این واقعیت است که حقوق بشر ریشه در ادیان الهی دارد و اصول بنیادین حقوق طبیعی شامل حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسوولانه و حق مساوات، ... به تفصیل در تعالیم اسلام مطرح شده است. حقوق بشر غربی به علت غلبه اندیشه مادی، نگاه ماشینی به انسان، بیگانگی با مبدا و معاد و اصالت بخشیدن به لذت‌گرایی و رفاه مادی صرف به جای اندیشه تعالی بشر، هویت واقعی انسان را نادیده گرفته و در نتیجه به دلیل غفلت از موضوع فضیلت و کرامت انسان، دچار انحطاط و انحراف و تناقضات فراوان شده است.

باید بر این نکته تاکید داشت که حقوق بشر امروز تبدیل به شعاری توخالی از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا شده، موضوعی است که متأسفانه ماهیت اصلی خود را از دست داده به این معنا که استکبار جهانی به ویژه آمریکا تلاش می کند

که با ظاهر سازی و طرح شعار حقوق بشر به اهداف سیاسی خود در نقاط مختلف جهان و کشورهای مختلف دست پیدا کند و هر جا که کشوری با اهداف و سیاست های وی هم سو نباشد در واقع آن را متهم به نقض حقوق بشر می کند.

همواره آمریکا خود را حامی حقوق بشر به جهانیان معرفی می کند و موارد نقض حقوق بشر در سایر کشورها را از زاویه منافع ملی خود به سایر ملل گوشزد می کند، اما در عمل خود یکی از نقض کنندگان فاحش حقوق بشر به شمار می آید. آمریکا با کارنامه ای آکنده از جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر در داخل و خارج این کشور خود را محکمی برای سنجش حقوق بشر در کشورهای دیگر می داند و با همین سنگ محک کشورهای غیرهمسو با سیاست های واشنگتن را به نقض حقوق بشر متهم می کند. هیچ کشوری در جهان معاصر وجود ندارد که بخشی از فهرست بلند رفتارهای ضد انسانی دولت آمریکا نباشد.

برنامه ریزان آمریکایی گاه در رفتارهای ضد بشری در دیگر کشورها گوی سبقت را از خشن ترین نظام ها برده اند که از جمله آن می توان به حملات هواپیماهای بدون سرنشین به غیرنظامیان در پاکستان و سومالی، دایر کردن زندان های مخوف و بدنامی همچون گوانتانامو و ابوغریب و همچنین بازداشتگاه های مخفی در دیگر کشورها اشاره کرد. قاتله کشتار کودکان معصوم و بی گناه در یمن، بحرین، یمن، سوریه و فلسطین با بمب های سفارشی توسط کشورهای دست نشانده ای مانند آل سعود و آل خلیفه و حتی سلب تابعیت شیخ قاسم توسط دادگاه های فرمایشی از نمونه های دیگر حقوق بشر آمریکایی هاست.

همچنین در بعد بین الملل نیز اقداماتی همچون کودتاهای ۱۹۵۲ کوبا، ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۶۳ عراق، ۱۹۶۴ برزیل، ۱۹۷۱ بولیوی و... تنها نمونه هایی از اقدامات مداخله جویانه ایالات متحده محسوب می شوند که با در نظر گرفتن حق مردم در انتخاب نوع حکومت کشور خود، نمونه های بارزی از اقدام علیه حقوق بشر هستند، که به این فهرست جنگ های داخلی ۱۹۴۹ یونان، ۱۹۵۴ گواتمالا و جنگ های بین المللی ۲۰۰۱ افغانستان و ۲۰۰۳ عراق، سوریه، حمایت از جنگ یمن و از گروه تروریستی داعش و مبارزه با تروریسم... را نیز باید افزود. در ذیل به نقض حقوق بشر توسط آمریکا در بعد داخلی و بین المللی اشاره می شود.

۱۲ تیرماه؛ حمله تروریستی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

۱۲ تیرماه یادآور حمله تروریستی ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران است. عملیات تروریستی که برخلاف تمامی موازین حقوقی، حقوق بشری، اصول صریح منشور ملل متحد و همچنین اساسنامه دیوان بین الملل کیفری صورت گرفت؛ عملیاتی که با هدف مداخله در جریان جنگ عراق علیه ایران و با هدف تحت فشار قرار دادن دولت و مردم ایران انجام پذیرفت. سقوط هواپیمای مسافربری ایران یکی دیگر و شاید شدیدترین نمونه از مراحل رویارویی آمریکا با جمهوری اسلامی بود و با توجه به حوادث مربوط به آن دوران، این اقدام با هدف تضعیف جمهوری اسلامی و یاری رساندن به رژیم صدام انجام شد. این رویداد چهره حقیقی آمریکا را که منادی دموکراسی و مدعی حقوق بشر در سراسر جهان بود را به نمایش گذاشت و بار دیگر نشان داد که آمریکا در عین حالی که بزرگ ترین مدعی حقوق بشر است، بزرگ ترین ناقض آن نیز هست. بر اساس همه شواهد و مدارک کاملاً روشن است که دولت آمریکا عالمانه و عامدانه دستور حمله به هواپیمای مسافربری ایران را داده و در این زمینه هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.

به هر حال این اقدام آمریکا یک بار دیگر نیت تجاوزکارانه دولت آمریکا و نقش این دولت در بی‌ثبات کردن و ناامن نمودن خلیج فارس را به اثبات رساند. علاوه بر این، این واقعه نشان داد که دولت آمریکا علی‌رغم اینکه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد، با جانبداری خود از یکی از طرفین درگیر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نه تنها به تعهد خود عمل نکرده، بلکه با نقض فاحش اصول اولیه حقوق بین‌الملل عمومی، عملاً صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است.

فاجعه ایرباس اگر چه مهمترین مورد نقض حقوق بین‌الملل هوایی و قواعد اساسی تضمین امنیت و سلامت هوایی بین‌المللی کشوری به شمار می‌رود، اما فرمانده ناو وینسنس به خاطر این عمل از دولتمردان آمریکا نشان لیاقت گرفت و پرسروصداترین محافل سیاسی غرب به آرامی از کنار آن گذشتند. در واقع «ویت راجز» فرمانده وینسنس دستور حمله به هواپیمای مسافربری ایران را داد و نشان لیاقت گرفت، اما خود او روانه بیمارستان شد. در نهایت این وقایع بیانگر این موضوع است که دولت آمریکا علی‌رغم همه ادعاهایی که در حمایت و پاسداری از حقوق بشر داشته و دارد، در عمل راهی خلاف این ادعاها را طی می‌کند.

نقض فاحش حقوق بشر در آمریکا

آمریکا که ادعای سردمداری حقوق بشر را دارد، بزرگترین نقض حقوق بشر در این کشور انجام می‌شود. شدت خشونت با اسلحه در آمریکا به حدی رسیده که دیگر تیراندازی با تعداد کشته‌های کمتر چندان مورد توجه رسانه‌های آمریکایی قرار نمی‌گیرد و تنها نمونه‌هایی که در آن کشته‌های زیادی وجود دارند، بازتاب رسانه‌ای پیدا می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده که شهرهای مختلف آمریکا از نظر میزان وقوع خشونت و تیراندازی در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و آمار تیراندازی در این کشور در مقایسه با دیگر کشورها بسیار بالا و حتی چندین برابر کشورهای دیگر است.

آمارها حاکی از این است که در سال ۲۰۱۷، ۱۷۳۴۰ مورد تیراندازی در آمریکا به ثبت رسیده است که در نتیجه آن ۴۳۲۵ نفر کشته و ۸۴۰۱ نفر زخمی شده‌اند. ۱۸۰ تن از قربانیان این حوادث را کودکان زیر ۱۱ سال و ۹۰۲ تن از قربانیان را نوجوانان تشکیل می‌دهند. طبق آمار اعلام شده از سوی وبگاه علمی «لایو ساینس» در آگوست ۲۰۱۶، درحالی که جمعیت آمریکا کمتر از ۵ درصد از کل جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد، ۳۱ درصد کل عاملان حمله در تیراندازی‌های جمعی در این کشور زندگی می‌کنند. داده‌هایی که شبکه «سی‌ان‌ان» اخیراً بر اساس گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا ارائه کرده، نشان می‌دهد آمریکایی‌ها صاحب حدود نیمی از (۴۸٪) از کل ۶۵۰ میلیون قبضه سلاح غیرنظامی موجود در سراسر دنیا هستند.

در گزارشی که رسانه‌های غربی منتشر کرده‌اند، در طول ۳۰ سال گذشته نیمی از بدترین کشتارها که در پی تیراندازی در اماکن عمومی رخ داده مربوط به آمریکا بوده است. همچنین آمار قتل در این کشور ۳ برابر کانادا و ۱۰ برابر ژاپن است. علاوه بر آن کم سن و سال‌ترین قاتلین جهان کودکان آمریکایی هستند که در مدارس با اسلحه به سمت دوستان و مربیان خود شلیک کرده‌اند. یکی از شایع‌ترین موارد نقض حقوق بشر در آمریکا اقدامات خشونت‌آمیز پلیس علیه شهروندان است که در سالهای اخیر به امری عادی تبدیل شده است. به رغم تظاهرات‌های گسترده در سراسر آمریکا علیه خشونت‌های پلیس

اما دولت در عمل هیچ اقدامی برای کاهش خشونت‌ها انجام نداده است و در بسیاری از موارد افسران پلیس که مرتکب جنایات ضد انسانی می‌شوند، از سوی دادگاه تبرئه می‌شوند و به جای محاکمه، با اسناد جعلی فرد مقتول را به عنوان یک جانی معرفی کرده و پرونده را مختومه اعلام می‌کنند. نحوه رفتار با زندانیان در آمریکا نیز از موارد بارز نقض حقوق بشر محسوب می‌شود. وضعیت نامناسب زندان‌های آمریکا و شمار قابل توجه زندانیان در این کشور باعث شده تا سازمان‌های حقوق بشری با بازدید از برخی از زندانها، گزارشی را تهیه کنند که گویای وضعیت غیر انسانی زندانیان است.

نقض حقوق مسلمانان در آمریکا

مسلمانان در غرب به ویژه در آمریکا با موارد نقض حقوق انسانی رو به افزایش، روبه‌رو هستند با این تفاوت که این نوع نقض حقوق بشر به شیوه خشونت بار و خونبار نبوده و به نوعی پنهانی و غیر علنی اعمال می‌شود. البته پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از این اقدامات پرده برداشته شد، این حوادث به مثابه بهانه‌ای برای دشمنی آشکار با آن گروه از کشورهای اسلامی بود، که فهرست آنان از قبل تهیه شده بود و پس از آن عرب‌ها و مسلمانان به شکل بی سابقه‌ای هدف قرار گرفتند. آمار اقلیت‌های عرب مسلمان نشان می‌دهد که بیش از دو هزار حادثه در واکنش به حادثه ۱۱ سپتامبر در مورد آنان رخ داد و بنابر اعلام دفتر تحقیقات فدرال، جنایت‌ها علیه مسلمانان در سال ۲۰۰۱ در مقایسه با یک سال قبل آن ۱۷ برابر افزایش یافت. اما بسیاری از تحلیلگران واکنش ضد عربی و اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر را در چارچوب مشکلی بزرگتر و کهنه‌تر دانسته‌اند که در جنایت‌های نفرت از مسلمانان و عرب‌ها در آمریکا ریشه دارد.

شورای روابط آمریکایی - اسلامی از افزایش ۶۴ درصدی حوادث ضد مسلمانان در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با یک سال پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر خبر داد. این گزارش موارد اصلی تبعیض، خشونت و سختگیری محدودیت‌هایی علیه مسلمانان آمریکا را شامل می‌شود و از افزایش آن حکایت دارد.

بر اساس این گزارش تعداد زیادی از مسلمانان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند و از خدمات عمومی محروم شدند و تاجران مسلمان نیز هنگام انتقال سرمایه خود به خارج، آشکارا با محدودیت‌هایی روبه‌رو شدند تا جایی که از آنان خواسته شد مدارکی ارائه دهند که ثابت کند، تروریست نیستند.

دولت آمریکا نه تنها در داخل به وضوح به تبعیض نژادی علیه مسلمانان، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آنان پرداخت بلکه برای ثبت مشخصات خارجی‌ها، شروط جدیدی را به اجرا گذاشت که فقط به دانشجویان و مسافران مسلمان محدود می‌شد و این روند به آنجا رسید که افسرانی از طرف اف بی آی به طور دائم در برخی کشورهای عربی از جمله مصر و عربستان مستقر شدند تا به بررسی دانشجویان متقاضی، ویزای ورود به آمریکا پردازند.

بنابر نظرسنجی موسسه 'گالوپ' برای شبکه 'سی.ان.ان.' و مجله 'یواس تو دی' ۵۸ درصد آمریکایی‌ها با اجرای اقدامات ویژه امنیتی در مورد مسلمانان و عرب‌ها از جمله آن دسته از کسانی که تابعیت آمریکایی دارند موافقت کردند و بر اعمال این اقدامات هنگام

سوارشدن آنان به هواپیماها تاکید داشتند تا جایی که ۴۹ درصد از کسانی که در این نظرسنجی شرکت کردند اعطای کارت شناسایی ویژه به آمریکایی های عرب و مسلمان را خواستار شدند به گونه ای که این افراد از سایرین متمایز باشند.

برخی گزارشها حاکی است تعدادی از شرکت های هواپیمایی آمریکا مانع از سوار شدن آمریکایی های مسلمان و عرب به هواپیما می شوند آن هم به این دلیل که نام آنان عربی و اسلامی است. از سوی دیگر پس از آنکه تعدادی از شرکت های هوایی آمریکا درصدد اخراج کارمندان خود برآمدند؛ کارمندان مسلمان و عرب در صدر فهرست افراد اخراجی قرار گرفتند.

نقض قوانین بین المللی

پرونده آمریکا در خصوص استفاده از حق وتو در شورای امنیت بی اساس بودن ادعاهای آن مبنی بر میانجیگری بین کشورها و یا حمایت حقوق بشر در جهان را به خوبی نشان می دهد.

در موضوع فلسطین اشغالی، آمریکا ۷۲۰ بار در فاصله سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸ از حق وتو برای خنثی کردن قطعنامه های مربوط به حقوق اساسی مردم فلسطین به سرزمین خود، بیرون راندن فلسطینی ها، مصادره زمین های آنان و نیز ساخت شهرک های رژیم صهیونیستی، نقض مقدسات دینی، آزار و شکنجه زنان باردار تا سقط جنین آنان و اقداماتی از این دست، استفاده کرده است.

آمریکا علیه قطعنامه ۳/۱۹۸۳ که در ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ صادر شد و در آن کشتار اردوگاه های فلسطین صبرا و شتیلا را محکوم کرده بود، از حق وتو استفاده کرد و در قطعنامه ۲/۱۹۸۷ مصوب ۲۰ فوریه ۱۹۸۷ نیز مبنی بر محکومیت سیاست مشت آهنین و شکستن استخوان کودکانی که در انتفاضه اول با سنگ از خود دفاع کرده بودند به حق وتو متوسل شد. در مه ۲۰۰۲ نیز آمریکا به تلاش های بین المللی برای ایجاد دادگاه جنایت بین المللی و محاسبه عاملان نقض حقوق بشر در سراسر جهان ضربه محکمی وارد آورد. هدف از ایجاد این دادگاه در واقع فراهم کردن راهکاری برای مقابله بین المللی با نقض حقوق بشر به دست نظام های دیکتاتوری بود.

در آن زمان - دوره کلینتون - آمریکا درصدد برآمد تا از معاهده ایجاد دادگاه خارج شود و با وجود اینکه در ۲۰۰۰/۱۲/۳۰ بدون تایید و به عنوان آخرین کشوری که توافقنامه ایجاد دادگاه را امضا کرده بود، خیلی زود از آن خارج شد. البته این اقدام آمریکا پس از آن صورت گرفت که تمام تلاش هایش برای تحریک سازمان ملل و قرار دادن قانون آمریکا فراتر از قوانین بین المللی ناکام ماند. سرانجام آمریکا از تصویب منشور رم خودداری و اعلام کرد به این شرط آن را تصویب می کند که افسران و سربازان آمریکایی از لزوم حضور در برابر دادگاه به عنوان پیش شرط تصویب عضویت در آن مستثنی شوند. به عبارت دقیق تر آمریکا از سازمان ملل خواست ارتش این کشور را فراتر از قانون بین المللی در نظر بگیرد و نیروهای آن بدون اینکه هیچ مرجع قضائی حق بازجویی و یا محاکمه افسران و سربازان آمریکایی در خصوص ارتکاب جرایم در حق ملت های مستضعف، را داشته باشد، از حق ارتکاب هر جنایتی برخوردار باشند. نگاهی به پرونده سراسر تحقیر قانون بین المللی توسط واشنگتن به درک بهتر پیشینه آمریکا در خصوص فرار از معاهده های بین المللی کمک می کند.

یکی از نمونه های این اقدامات آمریکا دخالت در نیکاراگوئه بود که ۷۵ هزار قربانی از جمله ۲۹ هزار کشته بر جای گذاشت. به همین دلیل دولت نیکاراگوئه به دادگاه بین المللی متوسل شد که این دادگاه در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۶ متوسل به زور آمریکا در نیکاراگوئه را محکوم کرد و آن را به پرداخت غرامت فراخواند، اما آمریکا در پاسخ به آن از تسلیم شدن در برابر این حکم سر باز زد و گفت که دادگاه بین المللی را به رسمیت نمی شناسد. پس از آن، نیکاراگوئه از شورای امنیت خواست قطعنامه ای صادر کرده و کشورها را به احترام به قانون بین المللی فراخواند، اما آمریکا در واکنش به حکم دادگاه بین المللی از حق وتو استفاده کرد و آن را نایده گرفت. پس از آن نیکاراگوئه به مجمع عمومی سازمان ملل متوسل شد و پیشنهاد آن فقط با اعتراض آمریکا، رژیم صهیونیستی و السالوادور روبه رو شد.

حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی

حمایت های آمریکا از اسرائیل از ابتدای تاسیس این رژیم به یکی از اصول سیاست خارجی واشنگتن تبدیل شده است. روسای جمهور این کشور در طول بیش از ۶۰ سال گذشته به اشکال مختلف تلاش کرده اند قدرت یابی رقبا و مخالفان اسرائیل شوند. همچنین تقویت توان این رژیم برای افزایش ضریب امنیت و بقا نیز در دستور کار کاخ سفید بوده است.

از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، اسرائیل بزرگترین دریافت کننده کمک های نظامی از ایالات متحده بوده است. براساس گزارش مرکز پژوهش های کنگره آمریکا، کمک های نظامی آمریکا به اسرائیل برابر با ۵۳ درصد تمامی کمک های نظامی خارجی این کشور است. مجموع تمامی کمک های واشنگتن به تل آویو از زمان ایجاد رژیم صهیونیستی (۱۹۴۹) تاکنون بالغ بر ۱۲۴ میلیارد دلار بوده است. حدود سه چهارم این کمک ها (۷۴ درصد) صرف خرید تجهیزات نظامی از شرکت های آمریکایی شده و از مابقی آن نیز برای خرید تجهیزات جنگی از شرکت های مستقر در فلسطین اشغالی استفاده شده است. همچنین آمریکا در محیط جهانی تلاش کرده از هرگونه جهت گیری علیه رژیم صهیونیستی توسط سازمان های بین المللی و کشورها ممانعت نماید. در همین رابطه موضوع شهرک سازی در فلسطین اشغالی از جمله مسائلی بوده است که به کرات در دستور کار نهادهای مانند شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته؛ اما هر بار مداخله ایالات متحده مانع از به نتیجه رسیدن محکومیت جهانی در این خصوص شده است.

آمریکا در مواجهه با این مسائل از قدرت اثرگذاری خود به نفع اسرائیل استفاده می کند. تهدید کاخ سفید به قطع کمک های مالی این کشور به سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه ای در شورای امنیت در مخالفت با شهرک سازی رژیم صهیونیستی یکی از آخرین اقدامات واشنگتن در این خصوص بوده است. علاوه بر این آمریکا نیز در مورد موضع گیری شورای حقوق بشر علیه اقدامات اسرائیل در فلسطین اشغالی، رسماً اعلام کرد در دستور کار قرار گرفتن پرونده وضعیت حقوق بشر در فلسطین و دیگر اراضی عربی اشغال شده را تهدیدی علیه اعتبار این نهاد است.

ادعای تکراری نقض حقوق بشر در ایران

آمریکا همواره جمهوری اسلامی ایران به ادعای نقض حقوق بشر محکوم می‌کند. وزارت امور خارجه آمریکا در جدیدترین گزارش حقوق بشری خود درباره ایران با تکرار ادعاهای واهی و تکراری که در گزارشات پیشین آن نیز مطرح شده بود، ایران را به نقض حقوق بشر در داخل و خارج از کشور متهم کرد.

وزارت امور خارجه آمریکا گزارش سالانه حقوق بشر خود را منتشر کرد که در آن به بررسی وضعیت حقوق بشر در نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان پرداخته است. در گزارش سال ۲۰۱۷ خود نیز به تکرار ادعاهای بی اساس و واهی اش علیه کشورمان پرداخت و مدعی شد که ایران نه تنها در داخل، بلکه به همراه متحدان و نیروهای نیابتی اش در منطقه مرتکب نقض گسترده حقوق بشر شده است. در این گزارش به مواردی همچون آزادی بیان، آزادی تجمعات و انجمن ها، شمار اعدام ها، حقوق زنان، حقوق اقلیت ها، بازداشت های خودسرانه، شکنجه، شرایط زندان و موضوعات پرداخته و ادعا شده است که در تمامی این موارد نقض حقوق بشر در ایران اتفاق می افتد. در بخش دیگری از گزارش بدون اشاره به واقعیت نقش این کشور در مناقشات منطقه و به ویژه جنگ هفت ساله سوریه مدعی شده است که ایران با حمایت نظامی از بشار اسد رئیس جمهور سوریه و به علاوه کمک به گروه های شیعی در عراق در نقض حقوق بشر مشارکت داشته است. این ادعاها در حالی مطرح می شود که مقامات کشورمان همواره این گزارشات حقوق بشری وزارت امور خارجه آمریکا را فاقد اعتبار، مغرضانه، ناشی از انگیزه های سیاسی و دور از واقعیت می دانند.

خروج آمریکا از شورای حقوق بشر

خروج آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل، غیر منتظره نبود و کاخ سفید برای مهار این شورا و جلوگیری از انتقادات مقطعی از اسرائیل، رویکردی منفی نسبت به شورا داشته است. در دوران ریاست جمهوری جورج بوش نیز آمریکا شورای حقوق بشر را به مدت سه سال تحریم کرد. همچنین جان بولتون در سال ۲۰۰۶ میلادی در کسوت نماینده آمریکا در سازمان ملل، از دولت خواست تا به شورای حقوق بشر ملحق نشود. نیکی هیلی هم از اوایل سال ۲۰۱۷ میلادی زمزمه خروج آمریکا از این شورا را آغاز کرد. وی در اوایل ماموریت خود در سازمان ملل، به دنبال تصویب یک قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل بود تا رژیم صهیونیستی را از دستور کار شورای حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در فلسطین اشغالی، خارج نماید. این قطعنامه با مخالفت دولت های اروپایی و فعالان حقوق بشر روبه رو شد.

در این راستا با توجه به مفاد منشور سازمان ملل، مهم ترین وظیفه سازمان، برقراری صلح و عدالت در همه سطوح بین الملل است؛ اما این سازمان و شورای حقوق بشر آن، در حمایت از حقوق انسان های بی دفاع در یمن، سوریه، عراق و افغانستان که آماج تجاوزات تروریسم و حامیان آن همچون حکام سعودی هستند، کوتاهی کرده است. همچنین نسبت به کشتارهای مکرر فلسطینیان توسط رژیم غاصب و وجود سلاح های اتمی این رژیم با بیش از دویست کلاهک هسته ای، تاکنون شاهد اقدام و

تحرك جدی و تاثیرگذار از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل نبوده ایم. با این وصف آمریکا با خروج خود از این شورا، قصد دارد همان اقدامات حداقلی سازمان ملل علیه جنایات صهیونیست ها را هم متوقف سازد.

باید بر این نکته اذعان داشت که خروج آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل، آخرین تصمیم آمریکا برای ترك پیمانها و نهادهای بین المللی نیست و این رویکرد متکبرانه حکام کاخ سفید که منجر به انزوای آمریکا می شود، خشم کشورهای مستقل و مردم آزاده جهان را در پی داشته است. اقدام آمریکا به معنای عقب نشینی از اجرای تعهدات حقوق بشری بوده و این کشور که سالها خود را قهرمان حقوق بشر می پنداشت را با مشکل مواجه ساخته است.

فرجام سخن

همه شواهد و مدارک در ارتباط با حقوق بشر آمریکایی، نشانگر این نکته هستند که ایالات متحده آمریکا تنها نگاهی ابزاری به حقوق بشر دارد و از آن به عنوان دستاویزی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر استفاده میکند. بدون تردید مهم ترین گواه این امر روابط بسیار نزدیک آمریکا با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است که هر دو سرامدان نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف هستند. بر این اساس کشوری که خود از اصلی ترین ناقضان حقوق بشر است و متحدان نزدیک آن رکردهای جنایات ضدانسانی را در دست دارند، نباید داعیه حقوق بشر داشته باشد.

باید بر این نکته اذعان داشت که پیامدهای اقدامات آمریکا در مخدوش کردن صلح و امنیت جهان را امروز در اقصا نقاط جهان به شکل های مختلف اعم از آواره شدن میلیون ها شهروند سوری، فلسطینی، عراقی، افغانی و... و همچنین تبدیل شدن منطقه به یک ضرادخانه بزرگ تسلیحاتی و از بین رفتن امنیت و آرامش ملت ها شاهد هستیم.

نکته کلیدی در زمینه ادعای حقوق بشر آمریکا در جهان این است که وظیفه کشورهای آزاده جهان و همچنین نخبگان و فعالان حقوق بشر است که با فعالیت درحوزه آگاه سازی ماهیت واقعی ضدبشری ایالات متحده آمریکا را آشکار سازند. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران یکی از سرامدان آشکارسازی حقوق بشر آمریکایی است، با این حال هنوز باید در این حوزه کار فراوان کرد. یکی از مهم ترین کارها در این زمینه همراه کردن سایر کشورها برای فعال کردن مجمع عمومی سازمان ملل در جهت محکوم کردن کشورهای اصلی ناقض حقوق بشر از جمله آمریکا هست.

منظر رایة نظرات و پیشهادات تکمیلی شامنجان و کارشناسان گرامی خواهیم بود. رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی